

بروز مدرنیسم در معماری ترکیه و تقابل با جنبشهای ملی معماری*

دکتر حمید ماجدی**، دکتر جمال الدین سهیلی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۸/۲۲

چکیده

بروز مدرنیسم و تقابل با ملی گرایی در معماری ترکیه نتیجه جریانهای فکری این کشور در عرصه های اجتماعی و سیاسی بوده است، به گونه ای که نفوذ مدرنیسم در ترکیه از اواخر امپراطوری عثمانی با مطرح نمودن برنامه تنظیمات که با هدف نوسازی و روزآمد شدن جنبه های حکومتی بود، آغاز شد. با تغییر نهادهای حکومتی عثمانی و جایگزینی حکومت جمهوری به رهبری آتاتورک ضمن انجام اصلاحاتی بنیادین در امور سیاسی، اجتماعی کشور ترکیه، توجه به اقتدار تاریخی امپراطوری عثمانی مورد توجه قرار داشت.

این مقاله در صدد است در ابتدا زمینه های بحران هویت ملی و تقابل با مدرنیسم غربی در شرایط اجتماعی و سیاسی ترکیه را مورد مطالعه قرار داده تا زمینه های نفوذ تفکرات مدرنیسم غرب در امپراطوری عثمانی قابل بررسی شود. سپس جریان های فکری معماری معاصر ترکیه از ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ مورد بررسی قرار میگیرد و چگونگی تقابلات بین بروز مدرنیسم با ظهور جنبش های ملی معماری در ترکیه نتیجه گیری خواهد شد

واژه های کلیدی

مدرنیسم، معماری مدرن، جنبش های ملی معماری، هویت ملی، ترکیه

* این مقاله بر گرفته از رساله دکتری معماری جمال الدین سهیلی با عنوان "تاثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در ظهور جنبشهای ملی معماری (بررسی تطبیقی معماری ایران و ترکیه در سال های ۱۹۵۰-۱۹۲۰) به راهنمایی دکتر حمید ماجدی که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ارائه شده است.

** دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: Majedi_h@yahoo.com

*** دانش آموخته دوره دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. Email: j_sheili@yahoo.com

مقدمه

امپراطوری عثمانی کاملاً متلاشی شده بود بلکه برای مدت زمانی کوتاه چنین به نظر می رسید که حتی برای موجودیت ترک ها به عنوان یک واحد مجزای ملی نیز زمین های بر جای نمانده باشد (بیات، ۱۳۸۷، ۲). در ترکیه یکی از مشکلات در ایجاد تعریفی یکسان از هویت ملی در کشور وجود اقوام نسبتاً قدرتمند و مستقل نظیر ملیت های کرد، یونانی تبار و ارمنی بودند که هنوز هم مانعی برای شکل گیری هویت ملی در کشور ترکیه می باشند. فلذا می توان این طور نتیجه گرفت که اعلان جمهوری در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ توسط آتاتورک اقداماتی را در پی داشت که تقابل با تاریخ گذشته ترکیه را جهت اجرای مدرنیزاسیون در ارکان حکومت مطرح نمود. "تلاش شد تا تمام ارتباطات با گذشته قطع شود و همراه با برکناری خلیفه در ۱۹۲۴، تمام اعضای خاندان عثمانی از کشور اخراج شدند. دفتر شیخ الاسلام و وزارت بنیادهای اوقاف برپیده شده و توسط دپارتمان های بنیادهای مذهبی و امور مذهبی تحت سرپرستی نخست وزیری جایگزین شوند. آموزش نیز تحت وزارت آموزش و پرورش سکولاریزه شد. در ۱۹۲۵ اقداماتی اتخاذ شد تا استفاده از عمامه و کلاه فینه را ممنوع نمایند و پوشیدن روبند را توسط زنان تضعیف کنند. در ۱۹۲۶ قانون مدنی سوئیس اتخاذ شد و در ۱۹۲۸ الفبای عربی با الفبای لاتین جایگزین شد. خط مشی های غربگرا در امور اقتصادی دنبال گردید" (Hold، 2005، 55).

"این قصیده قرن نوزدهم که توسط یک چهره لیبرال در گروه مخالف عثمانی نوشته شده است برخی از عقاید اصلاح طلبان را منعکس می سازد: گسترش علم اذهان بشر را روشن ساخته است. مطبوعات جای آنچه را که نبود پر کرده اند. افسوس سرزمین های غرب سرچشمه دانش شده اند. چیزی از شهرت و آوازه روم و عرب، مصر و هرات نمانده است.

زمان، زمان پیشرفت است، دنیا دنیای علم است. آیا بقای جوامع با سهل انگاری جور در می آید؟" (Bozdogan²، 1997)

زمینه های نفوذ تفکرات مدرنیسم غرب در امپراطوری عثمانی

"در زمانی که غرب به شکلی سریع به دنبال انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) نیروی حرکتی جدیدی پیدا کرد، امپراطوری عثمانی وارد یک دوره رکود شد و کاملاً در پی این پیشرفت ها متوقف گردید. موفقیت های اقتصادی و پیشرفت های نظامی و علمی ملل اروپایی رهبران عثمانی را متحیر ساخته بود، لذا روابط تجاری با امپراتوری بریتانیا، فرانسه و اتریش و روسیه برقرار شد و پیمان تجاری سال ۱۸۳۸ بین امپراتوری های عثمانی و بریتانیا که اولین سند رسمی مربوط به کاپیتالیسم غرب در ترکیه دانسته می شود، منعقد شد. طی این دوران ترک های برگزیده از فرانسه و بریتانیا

"نظریه مدرنیزاسیون دو قطبی است و جامعه مدرن را در برابر جامعه سنتی قرار می دهد و بدون آنکه تعریف جامع و کاملی ارائه دهد، جوامع غربی را مدرن می شناسد و جوامع جهانی سوم را پای بند سنت معرفی می کند. طبق این نظریه در کشورهای جهان سوم موانعی وجود دارند که امر توسعه را دشوار می کنند. این موانع عبارتند از وجود نهادها و سیستم های ارزش کهنه، افزایش جمعیت، عدم کارایی دستگاه ها، عدم مشارکت مردم در امور، وجود اعتقادات خاص، کمبود سرمایه گذاری تولیدی و ... بدینسان نظریه مدرنیزاسیون در جستجوی «دلایل درونی» برای توجیه عقب ماندگی است" (بهنام، ۱۳۸۶، ۱۳۶).

از سوی دیگر همواره در کشورهای که دارای سابقه تمدنی غنی بوده اند، گروهی از روشنفکران در صدد ارزش گذاری به هویت های ملی و تقابل با نفوذ ارزش های خارجی در آمده و تلاشی مستمر جهت بازشناسی معیارهای هویت ملی از دیدگاه های متفاوت داشته اند. در این راستا یکی از ملموس ترین تقابلات بروز مدرنیسم با ظهور جنبش های ملی گرا در این گونه کشورها در حوزه معماری بوده است. نتیجه این تقابلات گاهاً منجر به تدوین الگوهای خاص در زمینه ملی گرایی معماری شده و نهایتاً بخش عمده های از معماری ساختمان های حکومتی را به خود اختصاص داده است، ضمن آنکه توجه به مدرنیزه شدن نیز توانسته است در اکثر مواقع مورد توجه کارفرمایان و مردم قرار گیرد. لذا در این مقاله زمینه های بروز مدرنیسم با توجه به بسترهای ملی-گرایی ترکیه مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ محتوا نوعی پژوهش کیفی بشمار می آید که در ابتدای تحقیق یک بررسی تاریخ نگارانه صورت خواهد پذیرفت اما اساس پژوهش تحقیق تاریخی تفسیری خواهد بود که رویکرد پژوهش (چارچوب نظری) مبتنی بر تاثیرگذاری عوامل محیطی، شکلی و معنایی است.

آغاز بحران هویت ملی و تقابل با مدرنیسم غربی در ترکیه

"در حالی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسیاری از ملل تحت سلطه عثمانی هر یک به نوعی آگاهی ملی دست یافته و بر اساس جنبش های ملی خود در جهت کسب استقلال و خودمختاری پیش می رفتند، ناسیونالیسم ترک فقط در زمانی و در واکنش به تحولات فوق الذکر - یک شکل مشخص و معین به خود گرفت که نه تنها

آتاتورک تحت تأثیر افکار مکتب پوزیتیویسم و تمایلات جمهوری طلب خود اصلاحاتی بنیادی را آغاز کرد، مانند از میان بردن قدرت دنیوی خلافت (۱۹۲۲) و آنگاه حذف خلافت (۱۹۲۴) و اعلام جمهوری به جای سلطنت. دین را از دولت جدا ساخت، تقویم میلادی را جانشین تقویم هجری کرد، الفبا را تغییر داد، خانقاه ها را بست و بر اهل طریقت سخت گرفت و کوشید زبان ترکی را از لغات عربی و فارسی پاک کند. فرمان های کمال آتاتورک معروف به شش پیکان کمالیسم در ترکیه جدید به اجرا درآمد. آنها عبارت بودند از: ملی گرائی، جمهوری خواهی، مردم گرایی، غیر مذهبی بودن حکومت (لایک)، اقتصاد دولتی و روحیه انقلابی. گذر زمان نشان داد که مهم ترین این فرمان ها، حکومت لایک بوده است" (کیانی، ۱۳۸۳، ۶۹).

"در حقیقت سیاستی که مصطفی کمال در پیش گرفت بیشتر نوعی رجعت به اصل و یاد آور طرح ها و پیشنهاد های نسل اول ترک گرایان عثمانی مانند شخصیت های موسس نشریه ترک یوردو در باز یابی و شناخت فرهنگ و تاریخ ترکان بود. در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵م «مجمع تاریخی ترک» تاسیس شد. این مجمع فرمان یافت آموزه هایی را برای شرح و توضیح دستاوردهای تاریخی ترک ها تدوین کند" (Levoniou⁶, 1961, 376). به طور مثال یکی از نظریه های عجیب این مجمع در سال ۱۳۱۱ ش/ ۱۹۳۲م با عنوان «گونش - دیل تئوریسی» (تئوری خورشید - زبان) مطرح نمود که زبان ترکی نخستین زبان عالم هستی و سایر زبان های دنیا مشتقات آن بودند. دستاوردهای بشری نیز کلاً منشأ ترک داشتند، تمدن های چین و هند باستان در پی عبور اقوام ترک آسیانه میانه از آن سامان بنیان یافت و هیتی ها و سومریان که بنیانگذار تمدن های بین النهرین بودند نیز در اصل ترک بودند (Show⁷, 1967, 376).

در طول دوران جمهورییت ترکیه مسئله هویت حول محورهای دوگانگی زائی مانند شرقی - غربی، مذهبی - غیر مذهبی، ملی - جهانی و ... ادامه یافت. با فرو افتادن در ورطه نامشخص تباین سنت در برابر مدرن شدن، این موضوع محافل سیاسی و فرهنگی را جمعاً به خود مشغول داشت. از نظر جغرافیایی واقع شدن در منطقه ای مابین خاور و باختر و از نظر تاریخی سرگشتگی میان میراث آسیایی، آناتولیایی، عثمانی و اخیراً جمهوری خواهی، سبب شده تا ترکیه به طور ذاتی همواره سرچشمه بسیاری از دوگانگی ها بوده باشد.

ملی گرایی معماری در ترکیه از منظر تاریخی

شاکله فکری ملی گرایی ترکی به عنوان یک نیروی منسجم طی دو دهه اول قرن بیستم پی ریزی شد. فشارهای خارجی و عدم انسجام داخلی محیطی را ایجاد کرده بود که کشور مستعد جستجوی یک

با هم پیمانان خارجی شان دیدار می کردند و در مورد یافته هایشان گزارش ارائه می کردند. فرآیند توسعه این تبادلات توسط اصلاحات با عنوان «تنظیمات»^۳ در سال ۱۸۳۹ تعریف و تدوین شد. بیانیه «تنظیمات» هدفش نوسازی، باز سازماندهی و متحد تر و روزآمدتر شدن تمام جنبه های بخش دولتی بود. ضمناً علیرغم اینکه این کار عمدتاً یک اصلاحات قانونی بود، همچنین دیدگاهی از زندگی شهری را به همراه آورد که همسو با بقیه دنیای پیشرفته بود. " (Ayatac⁴, 2007, 116) " برنامه «تنظیمات» بر اصل برابری تحت قانون تأکید می کرد و امنیت زندگی و مال را برای همه توابع امپراتوری تضمین می نمود. سپس اقداماتی اصلاحی قابل توجه در فضای قضایی، آموزشی و مالی به اجرا درآمد و ساختار اجرایی دولت تغییر و تحول پیدا کرد. اصلاحات «تنظیمات» توسط نخبگان، دارای یک جهت گیری غربی تدوین شد و به عنوان اولین برنامه فراگیر و منسجم با مدل قراردادن سازمان ها و نهادهای اروپائی اقدام به پیاده سازی شد" (Bozdogan⁵, 1997).

به نظر می رسد توسعه ارتباطات نواندیشان عثمانی موجی جدید از اطلاع طلبی با معیارهای غرب را ایجاد نموده بود که این امر مستلزم شناخت و بررسی بیشتر مدل های زندگی اروپایی بوده است. در این جهت همسویی عده ای از صاحب مسندان حکومتی با نواندیشان غرب گرا زمینه های وضع قوانین جدید را برای اصلاحات «تنظیمات» فراهم نمود.

"پشتیبانان و هدایت کنندگان «تنظیمات» این دیدگاه را داشتند، فردی که می خواهد مثل اروپائی ها زندگی کند، باید مثل اروپائی ها رفتار کند. بعضی از افراد مهم این دوره نظیر مصطفی رشید پاشا (دوستدار انگلیس) علی پاشا (دوستدار فرانسه) و محمود ندیم پاشا (دوستدار روس) بودند. محققانی که تاریخ سیاسی کشور را بررسی می کنند مثل رفعت اوکارول^۵ این دیدگاه را دارند که اصلاحات «تنظیمات» ملی نبوده و تقریباً منشاها ی خارجی داشته و بنابراین فرآیند درونی نداشته و طرح تحمیلی بیگانه بوده است. سایرین مخالفند و عقیده دارند که این اصلاحات در واقع آغاز مدرنیزاسیون هستند و مطرح می نمایند کشور با پیروی از یک مسیر ساده تر و اتخاذ روش های غربی غیر صنعتی به حرکت درآمده بود. اما فرآیند اتخاذ نه ساده بود و نه مستمر" (Ayatac⁶, 2007, 117).

تلاش های دولت ترکیه در انسجام هویت ملی

در دو دهه آغاز قرن بیستم غیر از دگرگونی اندیشه ها که سبب شد ترکیه ساخت های کهنه امپراتوری خود را رها کند، طرز نوینی از زندگی نیز در میان برخی از قشرهای اجتماعی در شهرهای بزرگ پدید آمد.

در «مدرسه مهندسی راه و ساختمان» و «آکادمی هنرهای زیبا» نمودند. آنها در سخنرانی‌های خود اصول یک معماری براساس استفاده از عناصر عثمانی - اسلامی را تدوین کرده و کادر کوچکی از آرشیستیک‌های جوان را آموزش دادند. اما قبل از ۱۹۰۸ عملکرد آنها محدود بود: تنها نمونه قابل توجه «اداره مرکزی پست» کار و دات تک بود (تصویر ۱) (Ibid: 18).

"وقتی آنکارا به عنوان پایتخت استقرار یافت، اولین جنبش ملی معماری سبک غالب معماری بود. علاوه بر کمال الدین بیگ و ودات تک ساختمان‌های جمهوری جدید توسط عاریف حکمت^۳، احمیت کمال^۴، تحسین سرمد^۵، علی طلعت^۶، فاتح اولکو^۷، محمت نیهات^۸ و گیولیو مونگری^۹ مدافع معماری ملی که در آکادمی هنرهای زیبا تدریس می‌کردند، ساخته شدند" (Ibid: 19).

دوگانگی میان جریان‌های فکری مدرنیسم و ملی‌گرایانه

"انجمن مسکن ترکیه و وزارت دفاع ملی دو ساختمان باقیمانده از سال ۱۹۲۷ هستند که به خوبی دوگانگی فرهنگی را طی سال‌های اولیه استقرار جمهوری به نمایش می‌گذارند.

اولی با اصول نئو عثمانی جریان‌های ملی این قرن را مجسم کرده است، شیوه‌ای که بعدها به عنوان نخستین سبک ملی شناخته شد، و دیگری با اصول عادی و غیرنظامی، به قول معروف «معماری مکعبی» است که توسط معماران اتریشی وارد شد و در آن روزها کاملاً برای کشور تازه‌تأسیس داشت.

چشم‌انداز خشک و بی‌آب و علف آنکارا، پایتخت اضطراری و جدید جمهوری، حاوی نمونه‌هایی از هر سبک بوده و ظواهر گستاخانه دو نوع هویت را که جمهوری در میان آنها معلق بوده است یعنی - وارث عثمانی بودن و یا انکار کامل آن را نشان می‌داد" (بالامیر، ۲۰۱۳: ۲۲).

یک کاریکاتور در خبرنامه جشن معماران سال ۱۹۵۲ (تصویر ۳) از تغییرات متوالی‌ای که هر دو سال یکبار، از زمان برپایی جمهوری، معماری ترکیه دستخوش آن بوده است صحبت می‌کند: مکتب‌های نئو عثمانی، اروپایی پیشرو، هنرهای بومی جدید و بالاخره مدرنیسم آمریکایی.

ایدئولوژی اتحاد بخش جدید شده بود. تفکر جمهوری در صدد رها سازی خود از تصویر عثمانی و ایجاد یک بورژوازی ملی تلقیح شده در ایده آل‌های جمهوری خواهی بود.

توسعه آنکارا به عنوان شهری مدرن که تأثیری از موفقیت رژیم جمهوری تشخیص داده شده بود، حرفه معماری را با چالشی بزرگ روبرو کرد. لذا در دهه ۲۰ رهبران جمهوری برای راه حل به سمت قهرمانان آنچه به عنوان «اولین جنبش معماری» نامیده شده بود، روی آوردند.

در این راستا تلاشی گسترده جهت ارائه الگویی جدید از معماری که بتواند ضمن تبیین تغییرات در طراحی معماری نسبت به آنچه که پیش از این طراحی می‌گردید، اقتدار تاریخی امپراطوری عثمانی را نیز به نمایش بگذارد صورت پذیرفت. لذا به نظر می‌رسد این تجربه موجب آغاز ظهور التقاط‌گرایی در معماری ترکیه شده باشد.

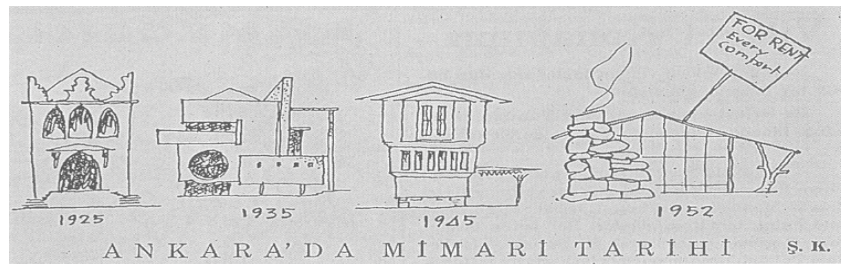
"التقاط‌گرایی جدید یک تأثیر اساسی بر توسعه حرفه معماری داشت. یک برنامه آموزشی، مستقل از مهندسی، در آکادمی هنرهای زیبا شروع شد که در ۱۸۸۲ تأسیس شده بود. در عین حال مدرسه مهندسی معماری که در ۱۸۸۴ تأسیس شده بود. یک دوره آموزش معماری را ارائه می‌داد اما هنوز از مهندسی تفکیک نشده بود. ولوری^{۱۰} در اولی و جکمونند^{۱۱} در دومی تدریس می‌کردند. کمال الدین بیگ^{۱۲} بنیان‌گذار سرشناس اولین جنبش معماری ملی، دانشجوی جکمونند بوده است. او پس از فارغ التحصیلی در ۱۸۹۱، به عنوان دستیار مدرس خود منصوب شد. در ۱۸۹۶ کمال الدین بیگ به مدرسه فنی شارلوت تنوری^{۱۱} در برلین فرستاده شد که در آنجا برای دو سال معماری خواند. سپس برای چندین آرشیستیک، قبل از بازگشت به ترکیه در ۱۸۹۰ کار کرد. فرد دومی که نقشی پیشگامانه در توسعه اولین جنبش ملی معماری ایفا کرد، یعنی ودات تک^{۱۲}، آموزش معماری اش را در «مدرسه ملی هنرهای زیبا» قبل از بازگشت به فرانسه در ۱۸۹۷ گذراند. کمال الدین بیگ و ودات بیگ پس از بازگشت به ترکیه به ترتیب شروع به تدریس



تصویر ۲. وزارت دفاع ملی - آنکارا ۱۹۲۷
مأخذ: بالامیر، ۲۰۱۳: ۲۲



تصویر ۱. اداره مرکزی پست استانبول
مأخذ: Holod, 2005, 46



تصویر ۳. معماری در انکارا - کاریکاتوری در مجله جشن سال مأخذ: بالامیر، ۲۰۱۳۸۲

در تشریح جریان های فکری سه دوره اول فوق عقیف باتور ویژگی های ذیل را بیان می نماید:

سال های اول، دوره گذار

"برنامه ساختمانی دهه ۲۰ به سرمایه گذاری های کاملاً الزامی و کار کردی اولویت می داد. یکی از این اولویت ها ساخت آنکارا به عنوان شهر پایتختی جدید با مجموعه فضاهای اداری و حکومتی مورد نیاز بود. تقریباً همه این ساختمان ها ویژگی های طراحی و فرم سبک احیاگری عثمانی را داشتند که در آن دوره «ملی» نامیده می شدند که بعدها آن را بعنوان اولین جنبش ملی گرایی در ترکیه دانستند." (Batur, 2005, 6).

تعدادی از نمونه های اصلی فعالیت های ساختمانی بین سال های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸ در آنکارا به شرح ذیل بودند:

۱. مجلس بزرگ ملی، اثر ودات بیگ^{۲۲}، آنکارا، ۱۹۲۴، (تصویر ۴)
 ۲. مدارس لطیف^{۲۳} و غزلی^{۲۴}، اثر موکبیل کمال بیگ^{۲۵}، آنکارا ۱۹۲۴ (تصویر ۵)
 ۳. انجمن اخوت ترک^{۲۶}، اثر عاریف حکمت بیگ^{۲۷}، آنکارا ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۰ (تصویر ۶)
- همان طور که اشاره شد آغاز معماری سال های اولیه یا دوره گذار با

جریان های فکری معماری معاصر ترکیه ۱۹۱۰ تا ۱۹۵۰

ابتدای قرن بیستم معماری معاصر ترکیه همچون برخی کشورهای منطقه با توجه به تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، تحت تأثیر جنبش های داخلی و نیروهای خارجی در چند دوره جریانات معماری متفاوتی را تجربه کرده است. تبدیل حکومت امپراطوری عثمانی با قرن ها سابقه که خود شامل جوامع قومی و مذهبی مختلفی بود، به یک دولت ملی جمهوری در واقع یک تغییر رادیکال به شمار می رود. در این تغییرات سیاسی و اجتماعی بروز جنبش های فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن ظهور گرایش های معماری اجتناب ناپذیر است. برخی منتقدین معماری ترک نظیر عقیف باتور^{۲۱} در کتاب «تاریخ مختصر معماری قرن بیستم ترکیه» جریانات معماری تاریخ معاصر ترکیه را در شش دوره کلی معرفی می نماید.

- ۱- سال های اول، دوره گذار ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸
- ۲- دوره مدرنیست ها ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۸
- ۳- سال های جنگ ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰
- ۴- دوره پس از جنگ ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰
- ۵- جستجو برای روش های نوین ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰
- ۶- گسستگی و شیوه های نوین ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰



تصویر ۵. مدارس لطیف و غزلی، اثر موکبیل کمال بیگ، آنکارا مأخذ: Batur, 2005, 83



تصویر ۴. مجلس بزرگ ملی مأخذ: نگارندگان



تصویر ۶: انجمن اخوت ترک مأخذ: نگارندگان

و مطابق با ماهیت و کارکرد حجم‌هایی که در بر می‌گیرند بدون اینکه در قالب فرم‌های هندسی ویژه مثل مربع یا مستطیل باشند.

• طراحی فضاهایی با پلان‌های مدور بسیار مطلوب می‌شوند. حجم مدور در خارج فرم نمایش داده می‌شود و توده ساختمانی اغلب برای اتاق‌های نشیمن و اتاق‌های ناهار خوری و سپس برای تراس‌ها و پله‌ها استفاده می‌شود.

• پلان‌های اتاق‌دار که یک مشخصه معماری گذشته بودند، به سرعت به پلان‌های متشکل از فضاهایی تبدیل شد که ابعادشان مطابق با ماهیت فضا و کارکردهایشان بین سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۱ مشخص می‌شدند.

• پلان‌های حول یک حال مرکزی وسیع توسعه یافت که تنها یک فضای توزیعی در خانه نبود.

• حجم‌های خدماتی به لحاظ عملکردی با هم گروه بندی شدند. اما یک اجبار در ارتباطات کارکردی این گروه بندی‌ها با سایر حجم‌ها وجود دارد. • پنجره‌ها به فرم یک باند افقی و پنجره‌های گوشه به طور گسترده استفاده می‌شدند.

• رختاب‌ها و بام‌های شیبدار جای خود را به بام‌های تراسی دادند. ساختمان‌های با اسکلت بتون آرمه یا ساختمان با صفحات بتونی کم‌کم به طور گسترده‌ای استفاده شدند. گچ با تکنیک آلمانی روی سطوح نماهای جلویی استفاده شد " (Ibid, 26).

ویژگی‌های معماری عثمانی در نمای ساختمان‌ها همراه بود.

دوره مدرنیست‌ها ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۸

دوره گذار زیاد دوام نیاورد و از سال‌های ۱۹۲۷ این شرایط تغییر کرد و با توجه به رخدادهای سیاسی، تلاش‌ها در جهت برپا سازی ساختار یک دولت ملی و برپا ساختن نهادهای جمهوری صورت پذیرفت، بطوری که هدف در این شعار خلاصه می‌شد: «رسیدن به سطح تمدن معاصر».

سال‌های بین ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ نشانگر شکل‌گیری معماری بر اساس ساختارهای حکومت جمهوری است در این دوره است که فرم‌های معماری ایجاد شده و فعالیت‌ها و کارکردهایش تعیین شدند. این دوره معماری را در ۳ بخش معرفی کرده‌اند.

بخش اول:

دوره‌آشنایی با افکار و آثار معماری مدرن جهان که معماران جوان زیادی پروژه‌های مسکونی و مراکز تجاری را با خط‌مشی‌های معماری مدرن اولیه در ترکیه طراحی و اجرا نمودند که این دوره تا سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ به طول انجامید. ویژگی‌های این ساختمان‌ها، به صورت ذیل بوده‌اند.

• "پلان‌ها هنوز در اشکال هندسی طراحی می‌شوند اما به صورت آزاد



تصویر ۷: وزارت بهداشت، اثر تنودور پُست، آنکارا، ۱۹۲۷. مأخذ: Holod, 2005, 104



تصویر ۹. انستیتو عصمت پاشا برای دختران
مأخذ: Batur, 2005, 86



تصویر ۸. دادگاه استیناف مالی آنکارا
مأخذ: نگارندگان

این بخش حذف نشد و بعضی محققان آن را به خاطر راحتی گرمایش دانسته اند در حالی که آن یک عنصر وابسته به فرهنگ زندگی است.

- یک گنچینه از فرم ها هم در خانه ها و هم در ساختمان های عمومی، بر این اساس که سبک بین المللی به طور کلی پذیرفته شده بود وجود داشت. این ویژگی ها شامل گوشه های پر شده با فرم باندهای افقی جدا کننده طبقات، خطوط لبه پنجره پیوسته و پنجره هایی که دور گوشه ها می گشتند، می شدند.

- حجم های طراحی شده به صورت مدور و تأکید بر آنها به عنوان توده هایی روی ساختمان در مقایسه با اولین بخش کاهش یافت و به جای آنها پلان های مستطیلی با زوایای گرد دیده می شوند. اینها اغلب در ورودی ها، بالکن ها، مهتابی ها و راه پله ها دیده می شوند.
- استفاده از یک بام پلکانی یا یک بام مخفی علیرغم دشواری ها در کاربردشان رواج یافت.

- در خانه ها یک بالن پیوسته تماماً در راستای نمای اصلی یا یک ایوان عریض تزئینی مطلوب بشمار می رفت" (Ibid: 29).



تصویر ۱۱. ساختمان بانک شهرداری ها، اثر آرکان، آنکارا، ۱۹۳۷
مأخذ: نگارندگان

از جمله این ساختمان های این دوره می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

- ۱- وزارت بهداشت، اثر تئودور پُست^{۲۸}، آنکارا، ۱۹۳۷ (تصویر ۷)
- ۲- دادگاه استیناف مالی، اثر ارنست اِگلی^{۲۹}، آنکارا، ۱۹۳۰-۱۹۲۸ (تصویر ۸)
- ۳- انستیتو دختران عصمت پاشا، اثر ارنست اِگلی، آنکارا، ۱۹۳۰ (تصویر ۹)

بخش دوم:

"بخش دوم را می توان بین سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸ در نظر گرفت که شروع آن مسابقه طراحی اقامتگاه امور خارجه و ساختمان مرکز نمایشگاه آنکارا بود که به ترتیب سیفی آرکان^{۳۰} و بوکی بالمومکو^{۳۱} به عنوان معماران برگزیده معرفی شدند" (Ibid: 26). ویژگی های بخش دوم به صورت ذیل معرفی شده اند:

- "اکنون یک طراحی کارکردگرا برای ساختمان های عمومی و خانه ها دارای اعتبار بود. کاربرد این روند در طراحی ساختمان های عمومی (دولتی) به دلیل کارکردها و اجزای نوع شناختی مختلف دشوار بود، چون استقرار ارتباطات ایجاب شده توسط عملکرد بطور مستقیم در فرایند شکل دهی موثر می باشد، اما، در بلوک های آپارتمانی یک نوع تعریف دیگرام عملکردی به دلیل جهت گیری های مشابه ظهور یافت.
- هال این خاصیت را دارد که در خانه ها فضای مرکزی می باشد که در



تصویر ۱۰. ساختمان نمایشگاه آنکارا، اثر سوکی بالمومکو
مأخذ: Batur, 2005, 25

۱. بحران اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم و عدم ورود مواد و مصالح ساختمانی نظیر فولاد، شیشه و سیمان که از ضروریات ساخت و ساز مدرن بودند. حتی معمارانی که طرفدار جنبش مدرن بودند، مجبور شدند به مواد ساختمانی منطقه ای در روش های ساخت و ساز روی بیاورند.

۲. تأثیر روان شناختی جنگ جهانی دوم که احساس خلق همبستگی ملی و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی را ایجاد نمود. لذا هر ساختمانی که طی سال های جنگ ساخته می شد، بازتاب دهنده این جو بود.

۳. حمایت سازمان ها و وزارت خانه های مربوطه از وضع قوانینی که بتواند سبک معماری ترکی به منظور حفظ یکنواختی ویژه ای را در شهر ایجاد نماید.

۴. برگزاری «سمینار معماری ملی» توسط سادات حکمی الدم^{۳۴}، در سال ۱۹۳۴

۵. مستحکم شدن روابط آنکارا با اتحاد شوروی و ایتالیا که موجب تبلیغ دستاوردهای این دو کشور در زمینه ملی گرایی جدیدشان شد.

از جمله ساختمان هایی که در این دوره طراحی شدند می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

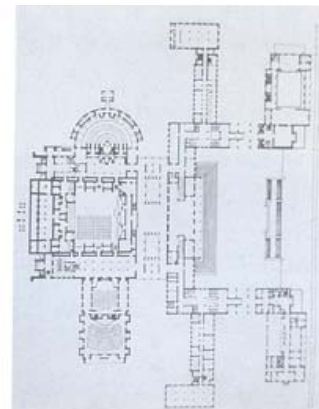
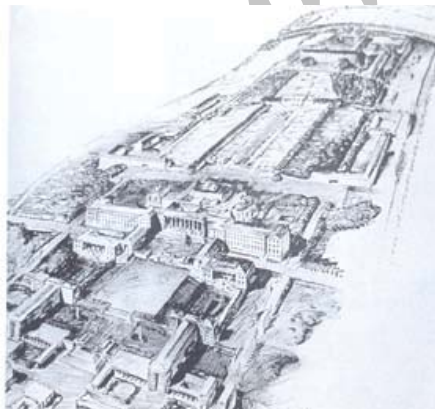
۱. مرکز نمایشگاه آنکارا، اثر سوکی بالمومکو، ۱۹۳۳ (تصویر ۱۰)

۲. ساختمان بانک شهرداری ها، اثر آرکان، آنکارا، ۱۹۳۷ (تصویر ۱۱)

بخش سوم:

• این بخش می تواند به عنوان یک عقب نشینی نامحسوس در توسعه الگوهای معماری مدرن تلقی شود که از حدود سال های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ احساس می شود، به طوری که گرایش به سمت ترکیبات متقارن به نمایش در می آید. این طور به نظر می رسد که مسابقه بین المللی برای طراحی ساختمان های مجلس بزرگ ملی ترکیه (تصویر ۱۲) شروع بخش سوم جنبش مدرنیسم در معماری ترکیه باشد. مهمترین ویژگی های معماری این دوره بشرح ذیل می باشد.

• گرایش به سمت ترکیبات متقارن
• ترکیباتی که روی نمای جلویی یک تأثیر عمودی ایجاد می کنند و طراحی مناطقی با رواقهای شامل ستون های نازک به ارتفاع دو یا سه طبقه در دستور کار قرار می گیرد.



تصویر ۱۲. ساختمان های مجلس بزرگ ملی ترکیه. مأخذ: Batue, 2005, 21.

در زمینه معماری نیز در سال ۱۹۳۴ نمایشگاه معماری فاشیستی ایتالیا در آنکارا و برگزاری نمایشگاه معماری فاشیستی آلمان در سال ۱۹۳۴ معماران ترک را تحت تأثیر رویکردهای جهانی به سمت رویکردهای ملی «یادبود سازی» قرار داد. (Ibid, 33-37)

"یک اثر ارزنده در این گرایش بنای قهوه خانه شرقی اثر الدم در دهه ۴۰ بود که به دیاگرام هال بزرگ سنتی اشاره داشت که با بخش های الحاقی به چهار سمت باز می شد و دارای پنجره های عریض با تزئینات مشابه معماری گذشته بود. (تصویر ۱۳).

رویکرد دوم ملی گرایی یادمانی و آکادمیک است که براساس نظریات هلمز میستر^{۳۵} و بوناتز^{۳۶} شکل گرفت. در این رویکرد از اصل معماری

• رخیام ها و بام دوباره ظهور می یابند.

• علاوه بر گچ با تکنیک آلمانی، استفاده از پوشش سنگ طبیعی و یا مصنوعی را آغاز می کنند. (Ibid, 30)

سالهای جنگ ۱۹۵۰ - ۱۹۳۸

"بسیاری از منتقدین معاصر معماری ترکیه نظیر اوستن آلساک^{۳۷} و ایلهان تکللی^{۳۸} در کتاب معماری مدرن ترکیه سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۳۸ را دوره دوم جنبش های ملی گرایی در معماری می دانند. دلایل متعددی در ظهور مجدد ملی گرایی در معماری ترکیه مطرح می شود که می توان به تعدادی از آنها به شرح ذیل اشاره نمود:

می باشد" (Ibid، 41).

نتیجه گیری

"اگر دهه ۲۰ مشخصه اش تغییر و تحولات با برچیده شدن ساختار سیاسی عثمانی و افتتاح اصلاحات جمهوری در کشور ترکیه بود، مشخصه دهه ۳۰ تبلور ایدئولوژی کمالیستی و تحکیم دولت جدید در این کشور بشمار می رود. اما ابتکار عمل های دهه ۲۰ تجربه ارزشمندی را در ایجاد فرا ساختار کلی ترکیه مدرن به نهادهای جمهوری داد. شبکه هایی مثل راه آهن، بنادر، خدمات رفاهی و شرکت های تلفن ملی شده و بانک های ملی عمده تأسیس شدند" (Hold1,2005,65). تاریخ معماری معاصر ترکیه همواره تحت تاثیر حرکتی پرتکاپو بین نفوذ مدرنیته و گرایش های ملی گرایی قرار گرفته است. این حرکت در هر دوره منجر به برتری جویی یکی از رویکردهای فوق شده است، به گونه ای که می توان این طور مطرح کرد که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ در هر دوره ده ساله نوسان ملی گرایی و مدرنیته وجود داشته است.



تصویر ۱۳. بنای قهوه خانه شرقی اثر ادرم، استانبول ۱۹۵۰-۱۹۴۸
مأخذ: Holod,2005,104

مدرن غرب بهره گیری شد و ویژگی ملی گرایانه آن در اجزاء و عناصر معماری مثل پنجره ها، سر ستون ها و ... با استفاده از تکنیک های ساخت و مواد مدرن ظاهر شده است" (Ibid، 39). برخی از بناهای این گرایش بشرح ذیل می باشد.
۱- مدیریت کل راه آهن دولتی اثر بدری اوکار^{۳۷}، آنکارا، ۱۹۴۱ (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۵. دانشکده های ادبیات علوم دانشگاه استانبول
مأخذ: Batur,2005,34



تصویر ۱۴. مدیریت کل راه آهن دولتی آنکارا
مأخذ: Holod,2005,100

در کشور ترکیه جهت گیری به سمت معماری مدرن در سال های ۱۹۳۰ به عنوان پیش نیاز مدرنیزاسیون و رسیدن به گذر از یک پایه فرهنگ اسلامی - شرقی به یک پایه فرهنگ غربی مطرح شد. حرکت به سمت مدرنیسم در معماری کاملاً افراطی بود؛ که در بالاترین سطوح دولت با اتفاق آرا مورد پشتیبانی قرار گرفت و در تمام سطوح با پیگیری دولت اجرا شد. هدف آشکارا بیان شده جمهوری، رسیدن به فرهنگ مادی و پیشرفت تکنولوژیکی غرب بود. بنابراین طبیعی بود که کارشناسان خارجی فراخوانی شوند. معماری مدرن پاسخی به شرایط و نیازهای ویژه فرهنگی و تکنولوژیکی بود.

۲- دانشکده های ادبیات علوم دانشگاه استانبول، اثر امین اونات^{۳۸} و ادرم، استانبول ۱۹۴۴ (تصویر ۱۵)
"سومین رویکرد روندی است که در جستجوی ملی گرایی در ترکیب عناصر منطقه ای و اصول منطقی (فردگرا) می باشد. این رویکرد در واقع سعی می کرد پیشینه معماری شهرهای آناتولی را جایگزین جغرافیای عثمانی نماید. در این راستا یک گروه از پرسنل دانشکده معماری دانشگاه فنی استانبول مطالعات قوی روی موضوع معماری خانه های آناتولی انجام دادند. نمونه بناهای این رویکرد اولین خانه های لونت^{۳۹}، اثر کمال احممت^{۴۰} و رویی گوربن^{۴۱}، استانبول (تصویر ۱۶)

24. Gazi
25. Mukbil Kemal Bey
26. Turk Occagi
27. Arif Hikmet Bey
28. Theodor Post
29. Ernst Egli
30. Seyfi Arkan
31. Sevki Balmumco
32. Ustun Alsac
33. Ilhan Tekeli
34. Sedad Hakki Eldem
35. Holzmeister
36. Bonatz
37. Bedri Ucar
38. Emin Onat
39. Levent
40. Kemal Ahmet
41. Robii Gorbon

فهرست مراجع

۱. بالامیر. آیدین، (۱۳۸۲). «معماری و اعمال هویت نمایی از فرهنگ ساختمان سازی در ترکیه مدرن»، ترجمه فرامرز خجسته-فصلنامه معماری و شهرسازی آبادی - شماره ۳۸
۲. بیات، کاوه، (۱۳۸۷). «پان ترکیسم و ایران-نشر و پژوهش شیرازه»، چاپ اول، تهران
۳. بهنام، جمشید، (۱۳۸۶). «ایرانیان و اندیشه تجدد»، نشر و پژوهش فرزانه روز-چاپ سوم، تهران
۴. کیانی، مصطفی، (۱۳۸۳). «معماری دوره پهلوی اول»، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران
5. Ayataç Hatice, (2007). "The International Diffusion of Planning Ideas: The Case of Istanbul, Turkey", 2007; 6; 114 Journal of Planning History
6. Batur, Afife, (2005). "A Concise History: ARCHITECTURE IN TURKEY During The 20 th Century", published by the chamber of Architects of Turkey
7. Bozdogan. Sible and Kasaba. Resat. eds , (1997). "Rethinking Modernity and Identity in Turkey", Uneversity of Washing Press.
8. Holod, Renata-Evin, Ahmet-Ozkan, Suha (2005). "MODERN TURKISH ARCHITECTURE", published by the chamber of Architects of Turkey-Second edition-Ankara
9. Levonian, Lutfy, (1961). "The Emergence of Modern Turkey", Oxford University Press.
10. Shaw, S.j. and E.k (1967). "History of the Ottoman Empire and Modern Turkey", 2Vol, Vol.2, Cambridge University Press

منتقدان معماری ترکیه معتقدند سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ بیانگر شکل گیری معماری جمهوری است. این طور به نظر می رسد در این سال ها جمهوریت در معماری با الگوهای معماری مدرن توأم با دلبستگی های ملی گرایانه تعریف می گردد. در این دوره است که فرم های معماری مدرن ایجاد شده و فعالیت و کارکردهایش تعیین می شوند. حتی فرآیندهای ساختمانی این دوره، همراه با مسائل ویژه و راه حل های متمایز با گذشته، اساساً تحت تاثیر شرایط تاریخی کشور شکل می گیرند.

به این اعتبار می توان گفت که در معماری معاصر ترکیه ملی گرایی و مدرنیته در تعامل با یکدیگر در قرن گذشته بوده اند، یکی محدود و انحصاری و دیگری جهان شمول و بین المللی. رهبران و طبقات اجتماعی مؤثر در کشور ترکیه این دو را برای تداوم بخشیدن به یکدیگر به کار گرفته اند. به این معنی که از یک طرف با توسعه مدنیزاسیون کشور طرح خدمت به ملت و هویت ملی را ارائه می نمودند و از طرف دیگر با تقدس ملی گرایی سعی می کردند صداهای مخالف توجه افراطی به ارزش های غربی را خاموش کنند تا امکان مدنیزاسیون را افزایش دهند.

پی نوشت ها

1. Holod, Renata
2. Bozdogan
3. Tanzimat
4. Ayatac
5. Ucarol, Rifat
6. Levonian
7. shaw
8. Allaury
9. Jachmund
10. Kemalettin Bey
11. charlot tenbury
12. Vedat [Tek]
13. Arif Hikmet
14. Ahmet kemal
15. Tahsin Sermd
16. Ali Talat
17. Fatih Ulku
18. Mehmet Nihat
19. Giulio Mongeri
20. Balamir
21. Afife Batur
22. Vedad Bey
23. Latife